

۱۳ آبان، روز مبارزه با استکبار جهانی

در تاریخ انقلاب اسلامی برگی زرین و مقطعی حساس و مناسبتی پر خاطره است،

بخصوص آنکه چهارده سال بعد از تبعید حضرت امام (ره) در همین روز (۱۳ آبان

۱۳۵۷) فرزندان امام و صدها دانش آموز و دانشجو در مقابل دانشگاه تهران و

خیابان های اطراف با شعار "درود بر خمینی" و "مرگ بر شاه" پایه های

حکومت را به لرزه در آوردند و با گلوله های مأموران شاه به خاک و خون

غلتیدند



دانش آموزان همچون سایر گروه های ملت در اطاعت از فرمان حضرت امام (ره) که

همه را دعوت به مبارزه بی امان با رژیم امریکایی شاه می نمود، سر از پا نمی

شناختند و نجات اسلام را در پیروی کامل از امام (ره) سازش ناپذیر می دانستند. این

طبقه جوان و فعال جامعه بحق یکی از ارکان و پایه های مهم انقلاب پیروزمند اسلامی بودند.

صبح روز ۱۳ آبان ۱۳۵۷ ه.ش دانش آموزان در حالی که مدارس را تعطیل کرده بودند

روبه سوی دانشگاه نهادند تا بار دیگر پیوندشان را با رهبر بت شکن خویش به جهان

اعلام نمایند. این جوانان پرشور خداجو گروه گروه داخل دانشگاه شدند و به همراه

دانشجویان و گروههای دیگری از مردم در زمین چمن دانشگاه اجتماع کردند.

مأموران شاه، دانشگاه را به محاصره خود درآورده بودند تا چنانچه فریاد حق طلبانه از

گلویی برخاست آن را با گلوله پاسخ دهند. دانش آموزان در کناره نرده ها و زمین

چمن اجتماع کرده بودند و فریاد مقدس "الله اکبر" آنان فضا را می شکافت و تا

فاصله های دور طنین می انداخت.

ساعت یازده صبح مأموران ابتدا چند گلوله گاز اشک آور در میان دانش آموزان و

دانشجویان پرتاب کردند. اجتماع کنندگان در حالی که به سختی نفس می کشیدند،

صدای خود را رساتر کردند و با فریاد دشمن شکن "الله اکبر" لرزه بر اندام مأموران

مسلح شاه افکندند. در این هنگام تیراندازی آغاز شد و لاله های انقلاب یکی پس از

دیگری در خون غلتیدند جوانان با فریاد الله اکبر و با شعارهای مرگ بر امریکا و

مرگ بر شاه به شهادت رسیدند و انقلاب خونین اسلامیشان را تداوم بخشیدند و

دشمنان اسلام را بیش از پیش به رسوایی و شکست کشاندند. در این واقعه ۵۶ تن شهید و صدها نفر مجروح شدند. یکی از شاهدان عینی می گوید:

"شنبه ۱۳ آبان سال ۱۳۵۷ ساعت ۱۱ صبح، بیش از هفت هزار دانش آموز و دانشجو

و دیگر طبقات مردم در محوطه دانشگاه تهران گرد آمده و عده ای سرگرم تماشای

نمایشگاه عکس بودند و گروهی به سخنرانی گوش می کردند که ناگهان یک کپسول

گاز اشک آور در هوا چرخید و روی زمین دانشگاه فرود آمد. عده ای سراسیمه به

سوی در ورودی دانشگاه دویدند، ولی در همین موقع صدای تیراندازی بلند شد.

سربازان از پشت میله های دانشگاه به سوی مردم شلیک کردند. هنوز فریادهای

"نترسید تیراندازی هوایی است" بلند بود که دانشجویی به زمین غلتید، از این لحظه

به بعد دانشگاه و خیابان های اطراف آن مبدل به صحنه جنگ و گریز شد. دانشجویان

و دانش آموزان قصد داشتند آن روز به سوی منزل مرحوم آیت الله طالقانی راه پیمایی

کنند. درست هنگامیکه عزم خروج از دانشگاه کردند با تیراندازی نیروها مواجه شدند

و به دنبال آن دانشگاه صحنه برخوردهای خونین شد. مجروحان توسط دانشجویان به

بیمارستان منتقل شدند."

در همان ساعات اولیه نیروهای ضربت وارد دانشگاه شدند و دانشجویان و دانش

آموزان برای مقابله با این حمله آتش افروختند و به دنبال آن مأموران پس از چند متر

پیشروی در دانشگاه آنجا را ترک کردند.

با شدت گرفتن تظاهرات، مأموران حکومت نظامی خیابان های اطراف دانشگاه و قسمتی از خیابان انقلاب را بستند و دانشجویان و دانش آموزان در خیابانهای اطراف پراکنده شدند. تظاهر کنندگان در چند نقطه خیابانهای جمهوری اسلامی و ولی عصر

(عج) و خیابان های منشعب از آن آتش افروختند و با دادن شعار الله اکبر و لا اله الا الله خود را از حملات ددمنشانه مأموران نجات می دادند.

ساعت دو بعداز ظهر مجدداً سربازان حکومت نظامی بر روی دانشجویان و دانش آموزان که در داخل دانشگاه بودند، تیراندازی کردند که در همان لحظات اول عده ای از دانشجویان به زمین افتادند و در خون غلتیدند. دانشجویان و دانش آموزان با

پلاکاردهایی که در آن شمار کشته شدگان دانشگاه را نوشته بودند با دادن شعار الله اکبر خمینی رهبر به راه پیمایی پرداختند. جنگ و گریز مأموران نظامی با دانشجویان و دانش آموزان تا پاسی از شب ادامه داشت ..."

امام خمینی (ره) در پیامی که به همین مناسبت از پاریس برای امت قهرمان ایران فرستادند، فرمودند:

"عزیزان من صبور باشید که پیروزی نهایی نزدیک است و خدا با صابران است. ایران امروز جایگاه آزادگان است... من از این راه دور چشم امید به شما دوخته ام... صدای آزادیخواهی و استقلال طلبی شما را به گوش جهانیان می رسانم."

از آن تاریخ به بعد، سیزدهم آبان ماه با عنوان روز دانش آموز، به عنوان حماسه خونین لاله های انقلاب در جریان نهضت اسلامی گرامی داشته میشود.



شکوه سیزدهم آبان را پاس می داریم زیرا مردانگی و فتوت ایثار و از خود گذشتگی و دشمن ستیزی با سران کفر را مقدس می دانیم. یاد همه شهیدان این روزهای بزرگ گرامی باد و خاطره سیزده آبان همیشه در جانها جاودان باد.



سیزدهم آبان روزی است که جوانه های سبز ایمان روید و دانش آموزان مسلمان به نشانه اعتراض به حکومت، در دانشگاه تهران اجتماع کردند و تاریخ، شاهد خون به ناحق ریخته آنان شد. دانش آموزان انقلابی برخاستند تا نورگوهر دانش و دانش آموزی را در آینه حماسه ودلیری بتابانند و غبار خودباختگی را از سیمای مدرسه بروبند. آنان برخاستند تا انقلاب ننشیند و فریاد کردند تا جهان، پیام انقلاب را بشنود.



اینک ما مانده ایم با خاطرات آن روزها و می دانیم که امروز اگر به سایه راحت نشسته ایم، مدیون استقامت شهیدانی هستیم که در آشوب ظلمت چیره، به مصاف شب رفتند تا ایمان خفته انسان را به سامان صبح برسانند.

یاد همه شهیدان دانش آموز، گرامی و خاطره سیزدهم آبان در جانها جاودانه باد!

قطعنامه پایانی راهپیمایی ۱۳ آبان

راهپیمایی پرشور ۱۳ آبان تهران که امروز با حضور هزاران نفر از دانشجویان، دانش آموزان و مردم تهران در مقابل لانه جاسوسی برگزار شده بود، با صدور قطعنامه ای پایان یافت.



در قطعنامه پایانی راهپیمایی ۱۳ آبان سال ۸۲ آمده است:

سیزدهم آبان فرا می رسد با طنین فریادهای عدالتخواهانه بت شکن زمان امام راحل که در ۱۳ آبان ۱۳۴۳، پرخروش و پرتوان، سلطه شیطان بزرگ بر این سرزمین را به مبارزه برخواست و نهضت نوپای اسلامی را توش و توان دیگری بخشید.

سیزدهم آبان فرامی رسد با شمیم عطرخونهای پاک دانش آموزانی که در ۱۳ آبان ۱۳۵۷، درمقابل دانشگاه تهران و به دست نظامیان رژیم سرسپرده و ستمگرپهلوی به شهادت رسیدند تا نسل جوان و نوجوان این سرزمین همواره بیدار و عدالتخواه و ظلم

ستیز، در صحنه مقابله با شیطان و شیطان صفتان حضوری موثر داشته باشد.
و ۱۳ آبان فرا می رسد با طنین فریادهای مرگ بر آمریکای دانشجویان مسلمانی که
در سیزدهم آبان ۱۳۵۸، به پیروی از امامشان پرچم مبارزه با ام الفساد قرن را بر فراز لانه
جاسوسی شیطان بزرگ به اهتزاز درآوردند و به فرموده رهبر کبیر انقلاب، انقلابی
بزرگتر از انقلاب اول برپا کردند.



و اینک ما، دانشجویان، دانش آموزان و دیگر گروههای مردم ایران، در سالگرد یوم الله
۱۳ آبان روز ملی مبارزه با استکبار جهانی با عزمی برگرفته از فریادهای بیدارکننده امام
راحل و با اراده و استقامتی برگرفته از شجاعت و ایستادگی رهبر معظم انقلاب و
جانشین شایسته بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت آیت الله العظمی خامنه ای،

بار دیگر آرمانها، خواستها و اهداف اصولی ملت عظیم الشان ایران را مورد تاکید
قرار می دهیم و اعلام می کنیم:

۱. عهد و پیمان این ملت با اسلام و انقلاب و امام، با جان مردم مومن و هوشیار این سرزمین عجین شده است و هیچ قدرتی و هیچ فتنه و توطئه و ترفندی نمی تواند در عزم بی بدیل ملت در ادامه راه امام راحل عظیم الشان، وفاداری به آرمانهای اسلام و انقلاب و پیروی از رهبر حکیم و فرزانه انقلاب، خلل و تردیدی ایجاد کند.
۲. سلطه طلبی، زیاده خواهی و سیاستهای سرکوب و کشتار و ارباب که بوش و نومحافظه کاران آمریکایی در منطقه و جهان در پیش گرفته اند هر روز مفهوم این سخن امام راحل را بیش از پیش آشکار می سازد که آمریکا را شیطان بزرگ و ام الفساد قرن نامیده بود. ما ضمن محکوم کردن اشغال عراق و کشتار مردم این کشور به دست نظامیان آمریکایی و انگلیسی، تاکید می کنیم که آمریکا همچون گذشته دشمن شماره یک جهان اسلام و ملت ایران است و مردم این سرزمین پهناور اسلامی، با تکیه بر ایمان الهی و با هوشیاری و بصیرت، همچنان به پایداری در مقابل زیاده خواهی های کاخ سفید ادامه می دهند و به فرموده رهبر عزیزشان در مقابل آمریکا حتی یک قدم عقب نشینی نمی کنند.
۳. ما اعلام آمادگی ایران برای پیوستن به پروتکل الحاقی را تدبیری برای حفظ فناوری

صلح آمیز هسته ای کشور و حرکتی برای افشای توطئه آمریکایی ها و صهیونیستها می دانیم و درعین پایداری بر مبنای و اصول انقلاب، هشدار می دهیم اگر طرفهای گفتگو با ایران یا مراکز قدرت جهانی در صدد سوءاستفاده از توافق اخیر برآیند و تلاش کنند که منافع ملی و مصالح کشور و اصول و ارزشهای ما را مورد خدشه قرار دهند این توافق به کلی بی اثر خواهد شد.

۴. وحدت از عوامل اصلی پیروزی و ادامه قدرتمندانه انقلاب بوده است. ما همه مسئولان، گروهها و جریان های سیاسی را به همدلی و وحدت در دفاع از آرمانهای عدالتخواهانه انقلاب و استقلال و آزادی کشور دعوت می کنیم و هرگونه حرکت همسو و هم جهت با مواضع دشمنان نظام را، تحت هر نام و عنوانی به شدت محکوم می نمایم.

۵. ما بر این باوریم که انتخابات هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی، در بیست و پنجمین سال عمر پربرکت انقلاب اسلامی با حضور گسترده مردم به انتخاباتی پرشور تبدیل خواهد شد. ما به همه گروهها و جریان ها و مسئولان دستگاههای مختلف خاطرنشان می کنیم که خدمت به مردم و حل مشکلات آنان، عامل اصلی حضور بیشتر ملت در پای صندوقهای رای خواهد بود. ما در سالی که رهبر معظم انقلاب، آن را سال نهضت خدمت رسانی به مردم نامیده اند، قوای سه گانه و همه دستگاهها را به خدمت بیشتر به مردم فرا می خوانیم و تاکید می کنیم که در سایه همدلی مسئولان و

خدمت رسانی گسترده به مردم، انتخابات مجلس هفتم به یکی از پرشورترین انتخابات نظام اسلامی تبدیل می شود و آثار مثبت مردمسالاری دینی را بار دیگر در معرض قضاوت جهانیان قرار خواهد داد.

۶. ما استمرار انتفاضه ملت فلسطین را تنها راه اصولی تحقق حقوق مشروع این ملت مظلوم می دانیم و بار دیگر حمایت خود را از قیام جوانان و نوجوانان فلسطینی در مقابله با صهیونیستهای غاصب و حامیان آمریکایی آنها اعلام می کنیم



منابع :

سایت اطلاع رسانی دانشنامه رشد :

www.daneshnameh.roshd.ir

سایت اطلاع رسانی آفتاب :

www.aftab.ir

سایت اطلاع رسانی تبیان

www.tebyan.net

درباره ۱۳ آبان

از هنگامی که سایت آینده فعال شد به مناسبت یا بی مناسبت برخی از دوستان با طرح نظراتی پرسش‌هایی یا قضاوت‌هایی را نسبت به تصرف سفارت آمریکا در سال ۱۳۵۸ مطرح می‌کردند، و من نیز تصمیم گرفتم که بجای پرداختن به تک‌تک موارد، به توضیحی کامل‌تر در سال روز آن واقعه بپردازم. این نوشته بیشتر در قالب بندهای مختلف است و احتمالاً انسجام موردنظر را برای برخی از خوانندگان نداشته باشد، اما پیشنهادی در آن است که در صورت اجرا علی‌القاعده می‌تواند تحلیل سیاسی جامعی نسبت به موضوع را به دست دهد.

۱- من تاکنون مصاحبه‌ها و مطالب متعددی را درباره این واقعه داشته و نوشته‌ام ولی متأسفانه چون فایل این مطالب در اختیار من نیست و عموماً به قبل از سال ۱۳۸۱ مربوط می‌شود نمی‌توانم آنها را در سایت قرار دهم، شاید اگر امکان تایپ مجدد آنها فراهم باشد تا در سایت قرار گیرد بخشی از وجوه موضوع برای دوستان جوانتر روشن شود.

۲- یکی از مشکلاتی که در تحلیل و ارزیابی آن واقعه برای من وجود دارد این است که اظهارات من به دلیل حضور در آن واقعه ممکن است ایدئولوژیک تعبیر شود، در حالی که مثلاً اگر من درباره واقعه‌ای مثل مشروطیت یا ملی شدن صنعت نفت تحلیل کنم، احتمالاً دفاع یا حمله من ایدئولوژیک تعبیر نشود، به همین دلیل ترجیح می‌دادم که درباره آن رویداد وقتی صحبت کنم که شنونده ذهنیتی نسبت به این حضور نداشته باشد. البته اصل حضور داشتن یا نداشتن هم می‌تواند موضوع بحث و تحلیل قرار گیرد، به جای خود لازم هم هست، بویژه هنگامی که قصد ارزیابی عملکرد شخصی یا گروهی مدنظر باشد، اما هنگام تحلیل واقعه و فارغ از ارزیابی عملکرد اشخاص لازم است این مسأله از ذهنیت بحث‌کنندگان خارج شود.

۳- مشکل دیگری که متأسفانه در مورد نگرش‌های موجود نسبت به تصرف سفارت

آمریکا مشهود است، خروج از منطق و حتی قلب و نادیده گرفتن واقعیت‌هاست. این امر ناشی از واقعیتی روان‌شناسی است که برخی در صددند واقعیتی را در گذشته پیدا کنند و همه مشکلات خود را به آن حواله دهند. من در دادگاهی که در سال ۱۳۷۲ داشتم، گفتم بازداشت و زندان کردن من مشکلی را حل نمی‌کند. انقلاب به زمین سخت برخورد کرده، و ما نباید مثل گاوهایی که خیش را بر گردن خویش حمل می‌کنند باشیم و وقتی که به زمین سخت برخوردیم با شاخ زدن به یکدیگر، آن دیگری را مقصر جلوه دهیم. امروز هم بسیاری از افراد در دستیابی به جامعه مطلوب و موردنظر خویش با شکست و سختی مواجه شده‌اند و طبعاً دنبال محملی و یا چیزی در گذشته اند تا زنگوله تقصیر را بر گردن آن انداخت و مرهمی بر دردها و توجیهی بر ناکارایی و ناتوانی امروزی ما باشد. در میان وقایع گذشته، به انقلاب و جنگ نمی‌توان پرداخت، چرا که متولی رسمی و غیررسمی دارد و پرداختن به آنها هزینه‌هایی هم می‌تواند به همراه داشته باشد. و لذا تنها می‌توان از دیوار کوتاه! این واقعه بالا رفت، چرا که اقتدارطلبان مخالف مردم‌سالاری هم علی‌رغم آنچه که در ظاهر بعضاً این واقعه را تجلیل می‌کنند، اما بسیار خوشحال می‌شوند که عناصر دخیل در آن واقعه با هر شدتی محکوم شوند چون قریب به اتفاق آنان هم در گذشته و هم در حال حاضر از نیروهای طرفدار مردم‌سالاری و مخالف استبداد و خودکامگی بوده‌اند و هستند. البته این امر بدان معنا نیست که آن واقعه در جریانات بعدی موثر نبوده، اما همچنان که آن واقعه در مسایل بعدی موثر بود، خود نیز موثر از وقایع قبلی بود، و اگر بخواهیم چنین استدلالی را بپذیریم، و مثلاً جنگ را محصول تصرف سفارت بدانیم، این واقعه نیز محصول انقلاب بوده و انقلاب نیز ناشی از رژیم شاه و آن نیز ناشی از کودتای ۲۸ مرداد و الخ... در این مورد به تناسب صحبت خواهیم کرد که ارتباط وقایع با یکدیگر چگونه است.

۴- مشکل دیگری که در تحلیل این رویداد وجود دارد، به تاریخ نپیوستن آن است. به قول بسیاری از افراد برای تحلیل بی‌طرفانه و علمی هر واقعه‌ای لازم است حداقل ۴۰ سال از آن رویداد بگذرد تا از یک طرف حداکثر مسایل مربوط به واقعه روشن شود و

از سوی دیگر آن واقعه تا حدی از متن جاری زندگی سیاسی مردم کنار رود، و قضاوت‌های ارزشی نسبت به آن کمرنگ شود. البته به این معنا هیچ رویداد مهمی در زندگی آن قدر خنثی و بی‌اثر نمی‌شود که نسبت به آن حب و بغض وجود نداشته باشد، حتی مشروطیت، کودتای سوم اسفند، ۲۸ مرداد و... هم که بیش از صد تا ۵۰ سال از آنها گذشته، هنوز هم به لحاظ مسایلی در ایران زنده هستند و از همین رو امسال دو سمینار با دو جهت‌گیری مختلف سیاسی در مورد مشروطیت برگزار شد، اما در هر حال می‌توان امیدوار بود که از غلظت سیاسی بودن آن مسأله کاسته شود تا متخصصین تاریخ و جامعه‌شناسی سیاسی برای ارزیابی آن وارد میدان شوند.

از این رو به دلیل تنش‌های موجود میان ایران و آمریکا و اهمیت این تنش‌ها در تمامی ابعاد زندگی سیاسی ما، قضیه تصرف سفارت آمریکا به موضوعی تاریخی تبدیل نشد، تا مورد ارزیابی و قضاوتی بی‌طرفانه قرار گیرد. این مسأله کماکان سیاسی است، چارچوب تحلیلی امر سیاسی هم متفاوت از چارچوب تحلیلی پدیده تاریخی است.

من اگر بخواهم سیاسی صحبت کنم، در این صورت به عنوان فردی که در جریان واقعه بوده وارد گفتگو خواهم شد، و طرف مقابل من هم باید فرد یا گروهی مخالف قرار داشته باشد، و طبعاً استدلال‌ها هم تا حدود زیادی سیاسی خواهد شد. مجادله سیاسی را نمی‌توان با افراد شناخته نشده در حوزه سیاست انجام داد، چون چنین مباحثه‌ای بی‌فایده است، نفر اول را هم قانع کنی، نفر بعدی همان حرف‌ها را تکرار خواهد کرد، و لذا در صورتی که علاقه‌ای به مباحثه سیاسی قضیه باشد، من اعلام آمادگی می‌کنم که از خلال همین سایت آن را انجام دهم، مشروط بر این که طرف مقابل نیز فرد ذی‌ربط با موضوع باشد، مثلاً اگر آقای دکتر یزدی (یا افراد دیگری) علاقه‌مند باشد که خود را در این جایگاه بداند، من آمادگی دارم که به لحاظ سیاسی وارد بحث شوم، بحث شفاهی که متن آن پیاده و منتشر شود یا بحث کتبی که به صورت متناوب تا رسیدن به نقطه مطلوب و جایی که کشش داشته باشد، ادامه یابد.

۵- بنابراین در اینجا صرفاً تحلیلی و غیرسیاسی وارد قضیه می‌شوم و ابتدا چند نکته محوری را برای تحلیل این واقعه مطرح می‌کنم.

الف- برای تحلیل هر رویدادی قبل از هر چیز لازم است که آن رویداد را در متن جامعه مذکور تجزیه و تحلیل کرد، جدا کردن یک رویداد از متن اجتماعی و سیاسی جامعه معین و قرار دادن آن در متن دیگر و سپس تجزیه و تحلیل نمودن آن در متن جدید، یک خطای روش شناختی مسلم است. کسانی که آن واقعه را در متن امروزی جامعه ایران تحلیل می کنند، دقیقاً همان خطایی را مرتکب می شوند که عده ای دیگر رفتارهای امروزی را در متن ۲۷ سال پیش قرار می دهند و نسبت به آن قضاوت می کنند.

ب- هر رویداد اجتماعی و سیاسی واجد تأثیر یا ذات مشخص و غیرقابل تغییری نیست، بلکه می توان آن را برحسب احتمالات مختلفی که برای نحوه ادامه یا پایان یافتن آنها وجود دارد، ارزیابی کرد، همان طور که برخی فیلم هایی که اخیراً ساخته شده (البته شنیده ام و ندیده ام) که از برخی سکانسها دارای چند سناریوی مختلف است و برحسب این که چه اتفاقی بیفتد یا بیننده آن را انتخاب کند، ادامه و پایان فیلم متفاوت خواهد بود. مثلاً در جنگ اگر پس از فتح خرمشهر سیاست آتش بس اتخاذ می شد، امروز تصور ما از آثار جنگ و حتی از آن تصمیم کاملاً متفاوت بود، فرض کنیم که پس از فتح خرمشهر آتش بس پذیرفته می شد و عراق هم عقب نشینی می کرد، آنگاه صدام مدتی بعد که مجدداً خود را بازسازی می کرد اقدام به مشکلات جدیدی می کرد، همچنان که این کار را در مورد کویت کرد، در این صورت ممکن بود که امروز به پذیرش آتش بس و صلح پس از خرمشهر معترض می شدیم که اگر آن وقت چنین کاری پذیرفته نمی شد، امکان داشت که عراق را در وضع بسیار ضعیف تری محکوم به پذیرش صلح کنیم.

این مشکل از آنجا ناشی می شود که رویدادهای اجتماعی و سیاسی، تکرارناپذیر هستند، و با قطعیت نمی توان درباره تأثیرات قطعی آنها قضاوت کرد.

ج- درک عقلانیت خاص آن زمان بویژه نزد قشر جوان و دانشگاهیان برای فهم آن واقعه ضروری است. این عقلانیت آنی و لحظه ای شکل نمی گیرد، محصول عوامل مختلفی است که در طول زمان به شکل گیری این عقلانیت کمک می کند، و نمی توان

فارغ از این عقلانیت نسبت به موضوعی قضاوت کرد.

۶- درباره تصرف سفارت آمریکا چند پرسش کلیدی مطرح است:

- اخلاقی یا قانونی بودن اقدام.

- آثار و تبعات آن در کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت چیست؟

- آیا بروز جنگ ناشی از این اقدام بود؟

- آیا بحران روابط ایران و آمریکا محصول این رویداد است؟

- آیا بحران فعلی نیز ناشی از این امر است؟

- آیا رادیکالیسم محصول این اتفاق است؟

- آیا روند بعدی در جریان این واقعه اجتناب ناپذیر بود؟

- آیا اصل بروز این پدیده یا پدیده مشابه آن اجتناب ناپذیر بود؟ به عبارت دیگر آیا

ممکن بود که چنین واقعه‌ای یا چیزی مشابه آن رخ ندهد؟

- آیا نحوه پایان آن رویداد به ضرر ما بود؟

اکنون و با توضیحات فوق می‌توانم بگویم که چگونه وارد این بحث خواهم شد. از یک سو بحث سیاسی نخواهم کرد، صرفاً تحلیلی و تاریخی است. برای بحث سیاسی مشکلی نیست، اما لازم است که طرف مقابل که یک نفر اهل سیاست باشد، حضور داشته باشد تا خوانندگان نتیجه مباحثه را مورد قضاوت قرار دهند. البته قبلاً هم چنین مباحثه‌های بوده و مصاحبه‌ای هم سال گذشته با تلویزیون هما داشتم. پرسش‌هایی که مطرح می‌شود نیز موارد مذکور در بند ۶ یا پرسش‌های دیگری از این نوع است که خوانندگان سایت می‌توانند مطرح کنند. اگر در مورد کلیت و چارچوب پیشنهادی بحث و نظری دارید و یا در مورد بند ۶ سوال‌های جدیدی دارید، مطرح نمایید، من پس از این به یک‌یک این سوال‌ها خواهم پرداخت و سعی می‌کنم به نحوی تحلیل و ارزیابی کنم که خواننده احساس نکند که یکی از مشارکت‌کنندگان در این واقعه بوده‌ام.

13 آبان روز دانشجو نیست!

در ایام ۱۳ آبان که می شود آمریکا ستیزی و نه استکبار ستیزی در سرتاسر اتاق های تبلیغات تکرار می شود و پارچه نویسی های نهادهای فرهنگی هم با شعار های تکراری دوباره قلمی می شود بیچاره خطاط ها! تلویزیون هم سرود هزار بار تکرار «آمریکا آمریکا ننگ به نیرنگ تو...» را پخش می کند.

در تاریخ نگاری انقلاب و اولویت دهی به مفاهیم و ارزشهای انقلاب تحریف ها و خیانت های بزرگی صورت گرفته است . یک از بزرگترین هایش در مورد فتح لانه جاسوسی است و دیگری اش که باید در همین روزها به سراغش رفت (البته نه بر اساس تقویم های ظاهری (پذیرش قطع نامه ۵۹۸ و پایان جنگ نظامی ظاهری از سوی امام خمینی است .

در این بازنگری باید دقت کرد که کجای این حرکت «انقلاب دوم» بود و چه چیز آن را تا این درجه ی اهمیت رسانید. شاید این دو دلیل از همه مهمتر باشد و دومی مهمتر از اولی :

۱- انقلاب هایی که در تاریخ معاصر این مملکت رخ داده است از قبیل انقلاب مشروطیت (اگر انقلاب بودن آن را بپذیریم) جنبش ملی شدن نفت و بسیاری از قیام های مردمی چون جنبش میرزای جنگلی و قیام محمد تقی خان پسیان و قیام دلاوران تنگستانی و ... همگی این انقلاب ها در قیچی منافقین داخلی و استعمار خارجی از مسیر منحرف و یا از پا درآمدند. قصه هر یک از این انقلاب ها را می توان شکافت و به دقیق جزئیات مصادیق این تحلیل اشاره کرد .

در قضیه مشروطیت و قضیه نفت این مسئله نمایش بیشتری داشت که روشنفکران به معنی منافقین فکری و اندیشه ای و در زیر پوشش اصطلاحات و عناوین اسلامی خود را ملی و یا ضد استبدادی نشان دادند و با رخنه و فساد در صفوف انقلابیون این انقلاب ها را به شکست کامل و بلکه به وضعی بدتر از قبل کشاندند. باز هم تفصیل آن بماند...

در انقلاب اسلامی لیبرال ها و جبهه ملی به قول امام «با اصرار برخی دوستان» (که باید روزی مشخص شود این دوستان چه کسانی هستند) کار را به دست گرفتند و در مسیری غیر از مسیر انقلاب در حرکت بودند که معلوم نبود اگر کار در دست آنها باقی می ماند چه به روز این مملکت می آمد. از تمامیت مرزی آن که با سرانگشت خیانت

هیئت های حسن نیتی که به کردستان و گنبد و خوزستان می فرستاد در معرض جدایی بخش هایی از این سرزمین بود، تا ترور و کودتا هایی که با همکاری آمریکایی ها در شرف انجام علیه انقلاب بود.

و این فتح لانه جاسوسی بود که توانست سیل بنیان کنی پدید آورد و روشنفکران غربزده و شرق زده و بسیاری از خائنین داخلی را در مسیر خود از سر راه انقلاب بردارد و این آب حیاتی که به پای درخت انقلاب ریخته شد، ابتدا دولت موقت و نهضت آزادی را کنار زد و بعد دریا دار مدنی ها استاندار خائن خوزستان را به رسوایی و فرار از کشور کشاند. از سوی دیگر مارکسیست های آمریکایی را رسوا کرد و داغ امپریالیسم ستیزی را با به اوج رساندن استکبار ستیزی اسلامی بر دل آنها گذاشت.

۲- ۱۳ آبان تجلی تولد نسلی از انقلاب است که به قول یکی از دانشجویان خط امام روحش با امام یکی شده بود :

«البته آن زمان جوانان انقلابی کشور مثل خود امام شده بودند. روح همه با روح امام یکی شده بود. یعنی فرد می گفت، امام می خواهد امروز سخنرانی کند. پیش خودش حدس می زد که امام می خواهد چه بگوید. می دیدی هشتاد درصد آن درست است.

چرا؟ نه این که ما کسی شده بودیم. همه با هم وحدت روحی پیدا کرده بودند. شرایط

عجیبی بود که در تاریخ کمتر تکرار می شود.» مصاحبه دکتر پور یزدان پرست

و بالاتر از آن صحبت‌های امام را قبل از اینکه امام ایراد بفرمایند تشخیص می داد چه

رسد به اینکه در راستای منویات او دست به اقدام بزند .

در این حرکت می بینیم که دانشجویانی که هر کدام دارای سابقه ای هستند سابقه

تاریخی و سیاسی خود را در پیروی خط امام خلاصه می کنند و تا ضربه به دشمن

شماره یک انقلاب بزنند، بدون اینکه تصریحی از جانب رهبر خود را دریافت کرده

باشند.

این بزرگترین پیروزی انقلاب اسلامی بود که نیروها و سربازهای آن منتظر نیستند تا

رهبر دستور صریح دهد. بصیرت بالا مبتنی بر اسلام انقلابی و شجاعتی متواضعانه در

خدمت اهداف انقلاب و امام خویش به قلب کانون فتنه دشمن می زنند.

امام خمینی در فرمایشاتشان فتح الفتوح انقلاب و اسلام را در تربیت «آدم» می داند و

مهمترین هدف انبیا را نیز همین امر می شمارد. امام خمینی علی رغم اینکه ابتدا از این

مطلب اطلاعی ندارند، حمایتی بی نظیر از حرکت تا آخرین روزها می کند. در عظمت همین مطلب یک کلمه امام کافی است که این کار کمتر از انقلاب اول نیست.

اما عنوان مطلب: این حرکت کاملاً دانشجویی و از سر بصیرت و فعالانه که در بحبوحه انقلاب اسلامی و در ذیل تفکر امام خمینی را مقایسه کنید با حرکتی منفعلانه و اتفاقی که در سالهای بسیار دور اتفاق افتاده است: ۱۶ آذر ۱۳۳۲ که دانشجویان دانشگاه تهران در قبال سفر نیکسون به ایران تظاهرات کرده اند چه تفکری این تظاهرات را به راه انداخته است؟ زوایای تاریخی این قضیه چیست؟ شهادت یا کشته شدن چند دانشجو که کمونیست بودن یکی دو تای آنها محرز است. لکه ننگ این جنایت پررنگ تر از آن است که کسی بتواند آن را از لیست بلند جنایات آمریکا پاک کند.

مسئله این مقاله اهمیت این واقعه تاریخی است برای اینکه بتواند برچسب و عنوان روز دانشجو را به دوش بکشد این که کی و کی این عنوان را بر این روز نام نهاده هم مورد مناقشه نویسنده نیست. بعد از این همه مدت که از انقلاب می گذرد بهتر است در اصلاح عناوین روزهای تاریخ انقلاب خود نیز تجدید نظری بکنیم.

درسها و نکته های تسخیر سفارت بسیار بلند است باشد که دوستان و علاقه مندان انقلاب نسبت به زوایای آن ها کنکاشها و کندو کاوهای انقلابی خود را جهت بدهند :

- 1- بررسی جایگاه دانشجو و امام و رابطه ولی و مولی در مرتبه ای بالاتر از آن
- 2- بررسی مجددی از اسناد لانه جاسوسی هرچند که تا به امروز جز چاپ اسناد مکشوفه کار تحلیلی و حتی باز نشر از آنها صورت نگرفته است .
- 3- بررسی جامعه شناختی این حرکت در مسیر انقلاب اسلامی و نقش مردم به علاوه نقش امام در تثبیت این حرکت

- 4- بررسی علل انحراف و واخوردگی برخی از فعالان این حرکت و لزوم نگاه فرهنگی و اجتماعی و ساختار محور به این حرکت در کنار نگاه سیاسی و کارگزار

محور

- 5- بررسی ابعاد بین المللی شکست ابهت آمریکا در جهان به علاوه افتضاح طمس

6-...

و در آخر گوشه ای از فرمایشات امام در قبال این حرکت :

«در هر صورت من از شماها تشکر میکنم که خودتان بدون اینکه غیر از خدا یک

کسی و ادارتان بکند خودتان وارد این میدان شدید، این چیزی است که از مبدأ الهی

جوشش پیدا کرده»